

سلاح های کشتار جمعی؛ عراق و رابطه با سوریه

گفت و گو با هانس بلیکس، سرپرست هیات بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در عراق

مجله سوئدی تمپوس، شماره 18، Tempus

برگردان: علی فیاض

afayyazb@hotmail.com

رئیس بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل، ضمن بیان نظرات خویش درباره تلاش های واشنگتن برای دست یابی به سلاح های کشتار جمعی صدام حسین، در مورد شواهد جعلی مبنی بر وجود سلاح های رژیمن سرنگون شده عراق توضیح می دهد. هانس بلیکس، آخرین سرپرست هیات بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در عراق است. او تا کنون چندین بار نارضایتی خویش را از دخالت های بی جای آمریکا در کار این بازرسان اعلام کرده است. او که سوئدی و جایگزین هم میهن خود رالف ایکنوس شد، در این مصاحبه که با مجله هفتگی تمپوس که مجله بی سیاسی است به عمل آورده است، موضوعات دیگری را نیز در همین رابطه مورد ارزیابی قرار می دهد. هانس بلیکس علیرغم مواضع متفاوتی که درباره سلاح های کشتار جمعی عراق ارائه می دهد، با این حال در مواردی به طور بسیار محتاطانه و حتی ساده لوحانه، از اهداف امپریالیستی آمریکا در این جنگ چشم پوشی می نماید. یک نمونه آن، توجهی که در مورد نبودن سلاح های کشتار جمعی است که او آن را صرفاً به اطلاعات غلط سرویس های اطلاعاتی تقلیل می دهد! در صورتی که می دانیم، آمریکایی هادر این رابطه از اطلاعات کافی برخوردار بوده اند و سلاح های کشتار جمعی برای آنها بهانه بی بیش نبوده است. و یا اینکه او این امر را روشن نمی کند که البرادعی اسناد جعلی در مورد سلاح های کشتار جمعی عراق را از کدام منبع دریافت داشته است. با این حال وی در این مصاحبه نکات جالب و در خور توجهی را نیز بیان می دارد. از جمله فشارهایی که بر او و همکارانش وارد آمده است. هدف از برگردان این مصاحبه، و مطالب دیگر از سوی اینجانب به معنای پذیرش و یا تایید موضع گیری های این شخصیت ها نمی باشد. بلکه منظور انتقال اطلاعاتی است که این افراد به دلایل شغلی در اختیار دارند. (مترجم)

* پس از اینکه عراق توسط آمریکا و متحدانش به اشغال درآمد، آزمایشگاه ها و موادی کشف شده که احتمال دارد برای استفاده و تولید تسلیحات بیولوژیکی و شیمیایی به کار رفته باشند. آیا آنها موفق خواهند شد، این امر را به اثبات برسانند که صدام حسین دارای سلاح های کشتار جمعی بوده است؟
آمریکا و انگلیس تمام وقت و با اطمینان اظهار داشته اند که در بغداد چنین سلاح هایی وجود دارد. با این حال تا کنون هیچ شواهدی مبنی بر وجود چنین سلاح هایی را ارائه نداده اند. ما بازرسان تسلیحاتی هرگز به خود اطمینان ندادیم که عراق از چنین تسلیحاتی برخوردار باشد. اما نفي هم نکرده بودیم. حالا باید صبر کرد و دید آیا آنها در واشنگتن و لندن حق داشته اند؟ من مشتاقانه منتظر نتایج جستجوهای آنها هستم. و برای آنان آرزوی موفقیت دارم!

* آیا در بیان شما نوعی تلخی گفتار احساس نمی شود؟

به هیچ وجه. من می خواستم این را مورد توجه قرار دهم که آنان نمی خواهند با ما همکاری کنند. و این کار را هم نخواهند کرد. من شنیده ام که آنها سعی می کنند بعضی از همکاران مرا به همکاری بکشانند. البته تا کنون بدون هیچ موفقیتی. ما تماس های غیر رسمی خوبی با لندن و واشنگتن داریم.

* آیا نپذیرفتن بازرسان سازمان ملل، به منزله یک انتقام از سوی عقاب های سیاستمدار در واشنگتن به شمار می رود، که از همان آغاز معتقد بودند کار بازرسان یک وقت کشی غیر ضروری می باشد؟

من چنین تصویری ندارم . واقعیت این است که اکنون نظامیان عراق را در کنترل دارند . و آنها تصمیم می گیرند که چه کارهایی باید انجام شود . ما چه کاری می توانیم انجام دهیم , هنگامی که ویژگی شغلی ما مورد تردید قرار می گیرد .

*** منظورتان این است که به آمریکا اعتمادی نیست؟**

خیر , اما بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل که تحقیق و قضاوتشان به نام این سازمان بین المللی انجام می شود , از اعتماد بیشتری برخوردار هستند . نیروهای ائتلاف به عنوان رهایی بخش و اشغالگر وارد عراق شدند و این جنبه منفی دارد . اگر کارشناسان آنها واقعا هم به سلاح های کشتار جمعی دست یابند , به راحتی می توان اصل بودن آنها را مورد تردید قرار داد . به همین دلیل من ترجیح می دهم این کار را متخصصان بی طرف و بین المللی انجام دهند .

*** آیا نمی بایست آنها تا کنون حدود پانصد تن گاز خردل و سارین(1) را که مدعی بودند عراقی ها در اختیار دارند, پیدا کرده باشند؟**

ما می بایست به خاطر عدالت به اشغالگران چند ماه دیگر فرصت بدهیم تا آنها بتوانند هزاران مکان مخفی مشکوک که در لیست ما هم بودند را مورد بررسی قرار دهند . با توجه به سرنگونی رژیم , مطمئنا اطلاعات جدیدی به بیرون درز خواهد کرد ; چرا که دیگر کسی از انتقام صدام نمی ترسد . اگر شواهدی مبنی بر وجود سلاح های کشتار جمعی هم به دست نیاید , باید چنین تصور نمود که آن اطلاعات محرمانه و نگران کننده سرویس های اطلاعاتی , درست نبوده است .

*** حتی اگر شواهدی مبنی بر وجود سلاح های کشتار جمعی به دست نیاید , در هر صورت رژیم صدام حسین در نگاه آمریکایی ها همچنان مشکوک و متهم باقی خواهد ماند, چرا که آنها مدعی هستند که رژیم عراق آن نوع تسلیحات را به سوریه انتقال داده است .**

کسی که چنین نظری اظهار می دارد, به خاطر جلب اعتماد و محق جلوه دادن خویش باید هر چه زودتر سند آن را نیز ارائه دهد . من قویا چنین نظری را مورد تردید قرار می دهم که سوری ها بخواهند به عنوان يك انبار مهمات برای سلاح های بغداد عمل کنند .

*** اما گفته می شود که رژیم سوریه نیز در حال تلاش برای دست یابی به سلاح های کشتار جمعی است .**

از آن جایی که دمشق قرارداد مربوط به سلاح های شیمیایی را امضا نکرده است , تولید چنین سلاح هایی عملی غیر قانونی تلقی نمی شود . کسی که می خواهد خاورمیانه را از سلاح های کشتار جمعی پاک سازی کند , باید این امر را برای کل منطقه در نظر بگیرد . از جمله اسرائیل . این تنها راه صلح و آرامش در خاورمیانه است .

*** گفته می شود سوریه نیز برنامه های هسته یی در دستور کار خود دارد .**

طی سال های زیادی که به عنوان رئیس آژانس انرژی اتمی بین المللی(2) فعالیت داشته ام, اطلاعات کافی درباره برنامه های غیر نظامی هسته یی سوریه داشته ام . این برنامه در مجموع از يك راکتور آزمایشگاهی تشکیل شده است که دولت با کمک های چین آن را ایجاد کرده است . چنین فعالیت هایی با توجه به اندازه جغرافیایی و درجه توسعه کشوری چون سوریه , کاملا معمولی و شناخته شده هستند . این فعالیت ها زیر نظر آژانس انرژی اتمی بین المللی و در يك همکاری خوب با دولت سوریه انجام می گیرد . هیچ گزارشی در تضاد با برنامه های این سازمان ارائه نشده است .

*** شایعه مربوط به فرار و پناهنده شدن برخی از متخصصان امور نظامی صدام به سوریه , به هر حال به این تردیدها درباره تلاش های سوریه دامن می زند . آیا بازرسان شما طی مصاحبه ها و گفت وگوهای خود با متخصصان نظامی عراق , متوجه همکاری هایی در این زمینه ها با سوریه شده اند؟**

ما سندی در این زمینه به دست نیاورده ایم . به علاوه ماموریت ما نیز این نبود .

*** یکی از نزدیک ترین طرف های عراقی شما در این گفت وگوها ژنرال امیر السعدي بود که خود را به نیروهای اشغالگر تسلیم کرده است . آیا اطلاعات او می تواند مسائل مربوط به سلاح های کشتار جمعی عراق را روشن سازد؟**

او می تواند به مهم ترین منبع برای آمریکا تبدیل شود. وی به عنوان یک مشاور علمی با موقعیت یک وزیر و یک چهره مهم در امور پیچیده صنعت نظامی، یک متخصص پیشرو در امور تسلیحاتی رژیم _ در مقایسه با معاون نخست وزیر، طارق عزیز، که بیشتر یک تبلیغاتچی بود _ به شمار می رفت. از نظر من او در این زمینه یک فرد توانا و با استعداد بود.

*** آیا شما فکر می کنید السعدی اطلاعات ارزشمندی درباره اینکه عراق تسلیحات کشتار جمعی نداشته است، در اختیار دارد؟**

من معتقدم که السعدی فرد با صلاحیتی است. اگر او حقیقت را گفته است، من این را درک نمی کنم که چرا عراق این بازاری کثیف را با سازمان ملل انجام داد؟ البته تا آنجا که من می توانم بفهمم این موضوع در وهله نخست به غرور و پرستیژ صدام و استقلال کشور مربوط می شود. شاید جانشین خود خوانده بخت النصر، نمی خواست مطلقاً چیزی بیش از حد ضرورت افشا کند؟

*** تلاش های مقابله جویانه رژیم بغداد از پیش مشخص بود، اما آیا شما روی بی حوصلگی های واشنگتن نیز حساب کرده بودید؟**

برای من روشن است که پرزیدنت بوش، لافل در آغاز، برای خلع سلاح مسالمت آمیز عراق، تلاش می کرد. اما بعد دولت آمریکا تصمیم گرفت که تلاش های بازرسان تسلیحاتی نباید تا بیش از نیمه مارس تداوم یابد.

*** این دقیقاً مدت زمانی بود که وزیر دفاع، رامسفلد، برای آماده شدن برای تهاجم، به آن نیاز داشت.**
من هرگز خودم را به عنوان «پرنده هشدارده» نمی بینم. اما به طور متناقض گونه بی هنگامی که من در سخنرانی خود در شورای امنیت، عراقی ها را آن چنان به هراس انداخته بودم که آنها تمایلات زیادی برای همکاری از خود نشان می دادند، همزمان از سوی واشنگتن مسیر تلاش ها تغییر یافت. هنگامی که من در این باره گزارش خود را بعداً در ماه فوریه در یک نشست سازمان ملل ارائه دادم، یاس ونومیدی مخالفان ادامه ماموریت بازرسان بیش از اندازه بود.

*** پس از آن بود، که از نظر واشنگتن که برای صدور قطعنامه بی جدید که به جنگ علیه عراق مشروعیت بخشد تلاش می کرد، «هانس نامناسب» به «هانس مشکل زا» تبدیل شد.**

من همواره در تلاش بوده ام تا بر اساس حقیقت عمل کنم. به همین دلیل هم، همیشه نسبت به اطلاعاتی که از سرویس های اطلاعاتی دریافت می کردیم، خوش بین بودیم. ما طبعاً به اطلاعات و راهنمایی هایی برای اینکه چیزی را از قلم نیندازیم، نیازمند بودیم. اما چیزهایی که دریافت می کردیم بیشتر اوقات، چیزهای بی ارزش بودند. همه آن چیزهایی که افشاگرانه نامیده می شدند، به سه «چیز کمیاب» (3) ختم می شدند، و آن چیزی که ما می یافتیم جزو سلاح های کشتار جمعی نبود. آقای البرادعی، همکار من در آژانس انرژی اتمی بین المللی، در وین حتی اسنادی جعلی دریافت کرد که نشان می داد عراق دارای برنامه های اتمی می باشد.

*** پس از سقوط رژیم عراق، بوش گفت که سازمان ملل متحد می تواند نقشی در حد کمک های انسانی بر عهده داشته باشد. آیا این بدین مفهوم است که بازرسان تسلیحاتی جهانی می توانند به کار خویش ادامه دهند؟**

آمریکا بیش از آن زمانی که ضروری باشد در عراق نخواهد ماند. پس از آن، آنها بر اساس منافع خود، به بازرسان تسلیحاتی بین المللی مراجعه خواهند کرد تا به بررسی و محافظت در زمانی طولانی بپردازند.

*** خود شما آیا به بغداد باز خواهید گشت؟**

فکر نمی کنم. من در حال نوشتن گزارش نهایی خود به شورای امنیت هستم و پس از پایان یافتن قراردادم در ماه ژوئن، به سوئد باز خواهم گشت.

*** به عنوان مردی شکست خورده که نتوانست که مانع از جنگ شود؟**

نه، علیرغم اینکه ما موفق نشدیم که راه حلی مسالمت آمیز برای اختلافات بیابیم، با این حال دلایل خوبی برای سرفراز بودن وجود دارد. بازرسی ها دقیق و موثر انجام گرفتند. به علاوه ما علیه تمامی فشارها مقاومت کردیم و استقلال خود را حفظ نمودیم.

توضیحات مترجم:

1) سارین نوعی گاز سمی (عصبی) است که آلمانی ها هنگام جنگ جهانی دوم آن را توسعه بخشیدند. تنفس و تماس با آن باعث سر درد، گرفتگی و انقباض ماهیچه ها، و در نهایت مرگ می شود. این گاز در سال 1995 در متروهای ژاپن طی عملیاتی تروریستی به کار گرفته شد. دارویی به نام «آتروپین» به عنوان پادزهر آن مورد استفاده قرار می گیرد.

2) *IAEA, International Atomic Energy Agency*

3) در متن اصلی توضیح داده نمی شود که منظور از این سه چیز کمیاب چیست.